



<http://www.arianaafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۷/۱۳



م. اسحاق نگارگر

جنگ های گرم و ویرانگر مذهبی

تبصره: این یکی از نگارش های سه سال قبل من در باره جنگ های مذهبی است که به وحدت کلمه در میان مسلمانان سخت صدمه زده و نسل جوان را نسبت به دین و دینداری بدبین ساخته است.

ز هفتاد و دو ملت کرد جامی رو به عشق تو

بلی عاشق ندارد مذهبی جز ترک مذهب ها

این روز ها بازار جنگ مذهبی باز گرم شده است. سیاستمداران وقتی بهانه دیگر برای رسیدن به قدرت یا استحکام قدرتی که دارند نیافتند به احساسات مذهبی متوسل می شوند و رفته رفته کار به جایی می کشد و بذر کینه و نفرت تا بدانجا بر می دهد که کنترل آن برای همه کس ناممکن می شود. این جنگ امروزین نیست و پیشینه تاریخی دارد. سلطان سلیم عثمانی و شاه اسماعیل صفوی هر دو از علمای اهل تسنن و تشیع فتوی گرفته بودند که قتل یک رافضی (لقب شیعیان) و قتل یک ناصبی (لقب سنیان) به قدر کشتن هفتاد عیسوی ثواب دارد اما این جنگ تاریخی هرگز به ابتذال امروز نرسیده بود که شیعه و سنی در مساجد یک دیگر بم گذاری کنند و یا از شیوه های انتحاری استفاده نمایند.



برای اتحاد مسلمانان وحدت کلمه از دیدگاه اسلام کفایت می کند یعنی اگر هر دو به توحید و رسالت اعتقاد دارند مسلمان خوانده می شوند و ریختن خون شان بدون مجوز شرعی و حکم قاضی حرام است. زیرا وقتی برای کافری اسلام را عرضه می کنند از او ادای شهادتین می خواهند یعنی شهادت به یگانگی خدا و شهادت به رسالت حضرت رسول کریم (ص) اما امروز دیگر وحدت کلمه کفایت نمی کند و آنگهی امروز شیوه تعمیم ناقص است که کار مسلمانان را زار کرده است.

تعمیم ناقص اینکه گناه فرد را شامل حال جمع می کنند و جمعیت را به خاطر خطای یک کس کافر می خوانند به طور مثال اگر یک فرد منصوب به یک فرقه مذهبی بنا بر دلایل خاص ترک ادب شرعی کرد عمل او را جنبه عام می دهند و همه جماعت را کافر می خوانند و به حساب عمل فرد بر جمع فتوای قتل صادر می کنند.

جنگ سنی و شیعه هم اکنون از سوریه و عراق سرریزه کرده و به بحرین، یمن و پاکستان نیز رسیده است و من تشویش آن را دارم که مبدا این شتر با بار منحوس خود پُشت دروازه افغانستان نیز زانو بزند که اثرات آنرا در جنگ های اینترنتی و فیس بوکی می توان مشاهده کرد.

به هر صورت آنچه این کینه و نفرت مذهبی را تعدیل می کند عرفان است که قرن ها پیش بر ضد این جنگ ها صدای خود را بالا کرده است. حضرت مولانا می گوید:

تا قیامت ماند این هفتاد و دو کم نگردد مبتدع را گفت و گو

و بالاخره بیدل می گوید:

در مشرب زن و از قید مذاهب بگریز عاقبت نیست در ن بزم که سازش جنگ است

و حضرت حافظ نیز گفته است:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

امیدوارم پیش از آنکه این آتش در افغانستان نیز دامن بگسترده جوانان هر فرقه با وسعت مشرب عرفانی با قضیه برخورد نمایند و چنانکه آزادی بیان را به رسمیت شناخته و پذیرفته اند آزادی مذهب را نیز رعایت نمایند که خداوند از ایشان می خواهد که خدایان باطل دیگران را توهین ننمایند و دشنام ندهند تا آنان خداوند برحق مسلمانان را دشنام ندهند.

خدای بزرگ به مسلمانان سراسر جهان توفیق بدهد که اسلام را از شر جنگ های مذهبی نجات بدهند و به اعتبار دادن وحدت کلمه باز گردند و در مورد مذاهب همدیگر به بحار الانوار باقر مجلسی و آثار مماثل آن استناد نفرمایند که آن گونه آثار در جریان جنگ های صفویان و عثمانیان به وجود آمده اند و هیچ گونه اعتبار علمی و تحقیقی ندارند. با عرض حرمت. نگارگر